



توأم شدن تشبیه باعرائل دیگر

در شعر حافظ

(۳)

ص — تسمیط و تشبیه — تسمیط عبارتست از این که بیت را به چهار بخش نمایند و سه بخش آن را به يك سجع می آورند و قافیه در بخش چهارم باشد (هنجار گفتار) تسمیط را میتوان نوعی مناسبت شعر در مثال از حافظ :

هنگام تنگدستی در عیش و کوش و مستی کاین کیمیای هستی فارون کندگدارا (۵)
تسمیط و مناسبت ۱ موسیقی خاصی به شعر میدهد و اگر با فصاحت و بلاغت و آرایشهای دیگر توأم باشد به سخن زیبایی بخصوص می بخشد. حافظ مثل سعدی این صنعت را فراوان بکار برده است و در بسیاری از تسمیطهای او فقط سجع بین دو قسمت مراعات شده است اینک مثالهایی از این صنعت که تسمیط با تشبیه توأم است :

دل عالمی بسوزی چو عذار بر فروزی تو از این چه سود داری که نمی کنی مدارا (۶)
دانم سر آرد غصه را رنگین بر آرد قصه را این آه خون افشان که من هر صبح و شامی میزنم
(۲۳۷)

هر چند کان کارام دل دانم که بخشد کام دل نقش خیالی می کشم فال دوامی می زنم (۲۳۷)

* آقای دکتر خسرو فرشیدورد دانشیار دانشکده ادبیات دانشگاه تهران. از صاحب نظران

دانشمند.

۱ — چنانکه دیدیم تسمیط و مناسبت را میتوان در ذیل موسیقی اصوات شعر نیز مورد

بحث قرار داد.

از تاب آتش می، برگرد عارضش خوی چون قطره‌های شبنم بر برگ گل چکیده
ضی - تلمیح و تشبیه - تلمیح عبارتست از اشاره به آیه یا حدیث یا شعر یا مثل یا قصه‌ای
 معهود است بدون ذکر آنها (هنجار گفتار)، مثال از حافظ هنگامی که تلمیح و تشبیه و استعاره
 بایکدیگر همراه است :

ز بیخودی طلب یار می کند حافظ چو مفلسی که طلبکار گنج فارونست (۳۹)
 تو دستگیر شو ای خضر پی خجسته که من پیاده میروم و هرهمان سوارانند
 چشم حافظ زیر بام قصر آن حوری سرشت شیوة جنات تجری تحتها الأنهار داشت (۵۴)
 در این ابیات شخصیتهای داستانی و ملی به صورت استعاره بکاررفته است و استعاره و
 تلمیح برهم منطبق شده‌اند.

شاه ترکان چو پسندید و به چاهم انداخت دستگیر از نشود لطف تهنتم چکنم
 شاه ترکان سخن مدعیان می شنود شرمی از مظلمه خون سیاوشش باد (۷۳)
 که مراد از شاه ترکان پادشاه وقت (مثلاً شاه شجاع) و غرض از سیاوش گویا خود
 حافظ است .

از تلمیحات زیبای حافظ و شاعران دیگر آنهاست که در آن شخصیتهای داستانی یا دینی
 مشبه به قرار میگیرد مانند تشبیه صبا به عیسی و لب به آب خضر و معشوق به عیسی و لب به
 نگین سلیمان و صبا به همد :

همیشه وقت تو ای عیسی صبا خوش باد که جان حافظ دلخسته زنده شد بدمت (۶۵)
 گسره شیرین دهنان پادشاهانند ولی او سلیمان زمانست که خاتم با اوست (۳۰)
 در شعر حافظ گاهی خلاصه داستانی وجه شبه قرار میگیرد :

گر مرید راه عشقی فکر بسد نامی مکن شیخ صنعان خرقه رهن خانه خمار داشت (۵۴)
 حافظ از دولت عشق تو سلیمانی شد یعنی از عشق تو اش نیست بجز باد بدست
ظ - کنایه و تشبیه - گاهی نیز کنایه و تشبیه با هم توأمند مثلاً در این بیت حافظ وجه
 شبه کنایه است :

حبابوار بر اندازم از نشاط کلاه اگر ز روی تو عکسی به جام ما افتد (۷۷)

غ - ایهام تناسب و تشبیه - ایهام تناسب از اقسام مراعات نظیر است ولی از آن
 خیال‌انگیزتر و لطیفتر است . بسیاری آن را با ایهام اشتباه می‌کنند. این آرایش در شعر حافظ
 و خاقانی بسیار است و آن آوردن لفظی است که بیش از یک معنی دارد و بین معنای مخفی و دوم
 آن یعنی معنایی که در عبارت مراد نیست با کلمات دیگر تناسب و مراعات نظیر باشد مانند «هوا»
 و «باد» در این بیت :

در چمن بساد بهاری ز کنار گل و سرو به هواداری آن عارض و قامت بر خاست (۱۷)

و پروانه و شمع در این بیت :
 در شب هجران مرا پروانه وصلی فرست
 و یابین عین و چشم در این شعر:
 چشم جادوی تو خود عین سواد سحر است
 یابین جوهر و لعل در این بیت:

بیا که سود کسی برد کاین تجارت کرد (۹۰)
 یکی از ویژگی‌های سبکی شعر حافظ ارتباط دوگانه یا چند گانه ایست که او در شعر بین کلمات برقرار می‌کند، این شیوه که در بدیع عربی و فارسی از آن به «ایهام تناسب» و «ایهام تضاد» و «ذوالمعنیتین» و «اتساع» و «ایهام توالد ضدین» یاد شده است در شعر حافظ از عوامل مهم زیبایی است و یکی از راههای لطیف کردن کلام و آرایش تشبیه در شعر وی بشمار میرود که بیشتر به هم او اختصاص دارد. والا آرایش تشبیه با صنایع دیگر از قبیل انسجام و اغراق و تلمیح در شعر شاعران دیگر نیز هست. گاهی عامل ارتباط معنی دوم با کلمات دیگر تشبیه است که در این حال خواجه تشبیهی غیر مستقیم بوجود می‌آورد که بسیار لطیف است مانند حلقه و گیسو از یک طرف و محراب و «برو»، از طرف دیگر در این دو بیت :

دوش در حاقه ماقصه گیسوی تو بود
 در نمازم خم ابروی تو با یاد آمد
 تادل شب سخن از سلسله موی تو بود
 حالتی رفت که محراب به فریاد آمد.
 اینک مثالهای دیگری برای تشبیهات رایجی که به یاری ایهام تناسب در شعر حافظ از نو آفریده شده‌اند :

بین لعل و یاقوت:
 یاد باد آنکه چو یاقوت قدح خنده زدی
 در میان مسن و لعل تو حکایتها بود
 بین سرو و راست:

قامتش راسرو گفتم سر کشید از من به خشم
 بین خطا و ختن:

از خطا گفتم شبی زلف ترا مشک ختن
 بین دور و نرگس (چشم):

کس به دور نرگس طرفی نسبت از عاقبت
 آن ترک پری چهره که دوش از بر ما رفت
 به که نفروشند مستوری به مستان شما (۱۰)
 آیا چه خطا دید که از راه خطا رفت (۵۷)

یا - ایهام تضاد و تشبیه - ایهام تضاد آنست که دو معنی غیر متضاد را بوسیله دو لفظ تعبیر کنند که در میان دو معنی حقیقی آن لفظ تضاد باشد (از هنجار گفتار) مانند پختن و خام، بالا و پست، آب و آتش، سبک و گران، نشست و برخاست در این ابیات حافظ :

خیال زلف تو پختن نه کار هر خامیست
 که زیر سلسله رفتن طریق عیار است (۴۶)

در نعل سمنند او عکس مه نو پیدا
شراب خورده و خوی کرده میروی به چمن
می خور که هر که آخر کار جهان بدید
شمع دل دمسازم بنشست چو او برخاست

وزقد بلند او بالای صنوبر پست (۲۰)
که آب روی تو آتش در ارغوان انداخت
ازغم سبک بر آمد و رطل گران گرفت (۶۰)
و افغان ز نظر بازان برخاست چو او بنشست
(۲۰)

این صنعت نیز در حقیقت نوعی ایهام تناسب است که از ریزه کاریهای سبک حافظ بشمار
می رود و او استاد این آرایش ادبی است. زیرا همانطور که تضاد نوعی مراعات نظیر (تناسب)
است، ایهام تضاد نیز نوعی ایهام تناسب^۱ است.

یب - ایهام توالد ضدین و تشبیه - ایهام توالد ضدین آنست که کلام موهم شود که
ضد از ضدش ناشی شده است (از هنجار گفتار). مثال از حافظ در وقتی که ایهام توالد ضدین
با تشبیه توأمست و این صنعت که در اشعار حافظ به وضع لطیفی بکار رفته است با ایهام تضاد
نیز نزدیکست:

ایسن قصه عجب شنو از بخت واژگون
اساس نوبه که در محکمی چو سنگ نمود
ما را بکشت یار به انفاس عیسوی
بین که جام زجاجی چه طرفه اش بشکست (۱۹)
با که این نکه توان گفت که آن سنگین دل
کشت مارا و دم عیسی مریم با اوست (۴۱)
یج - تشبیه و استعاره با تشبیه و استعاره دیگر - گاهی تشبیه و استعاره با تشبیه و
استعاره دیگر توأم میشود و بدین ترتیب در بعضی از اشعار زنجیری از تشبیهات و استعارات
بوجود می آید و هاله ای از تصویرها ایجاد می شود که به کلام زیبایی و درخشش خاصی
می بخشد، مخصوصاً اگر این تشبیهات کلام را پیچیده نکند و چیزی که به آن «ستیز تشبیهات»
میگوئیم بوجود نیآورد مثلاً آن دسته از اشعار فردوسی که با تشبیه و استعاره آراسته شده اند
چنینند، مانند:

یکی کوه بر پشت پیلی بلند
چو خورشید بر زد سر از کوهسار
به چنگ اندر از چرم شیران کمند
(شاهنامه چاپ بروخیم ص ۱۰۰۱)
بگسترده یاقوت بر پست قسار
(شاهنامه ص ۷۰۱)

در غزلهای حافظ نیز ایاتی که در آنها تشبیهات و استعارات بلورین به دنبال هم آمده
باشند فراوانست. هاله تشبیهات در استعارات مکینه بیشتر به چشم میخورد زیرا قرینه اینگونه
استعاره ها معمولاً خود استعاره ای دیگر است.

اینک نمونه ای از زیباترین تشبیهات متوالی و در پی هم حافظ که معمولاً با آرایشهای
ادبی دیگر نیز توأمند:

گلبرگ را ز سنبل مشکین نقاب کن
بفشان عرق ز چهره و اطراف باغ را
یعنی که رخ پوش و جهانی خراب کن (۲۷۲)
چون شیشه های دیده ما بر گلاب کن (۲۷۲)
گر بر گک عیش میطلبی ترک خواب کن (۲۷۳)
خورشید می ز مشرق ساغر طلوع کرد

۱ - به مطول صفحه ۳۴۲ چاپ سنگی و به نقد شعر فارسی صفحه ۵۴ نگاه کنید.

رشته صبرم به مراض غمت بریده شد
 همچنان در آتش مهر تو سوزانم چو شمع (۱۹۹)
 بسی نماند که کشتی عمر غرقه شود
 ز موج شوق تو در بحر بیکران فراق (۲۰۲)
 مراد دل ز تماشای باغ عالم چیست
 به دست مردم چشم از رخ گل چیدن (۲۷۱)
 ولی گاهی برعکس اجتماع تشبیهات و استعارات سخن را مبهم و کلام را سنگین میسازد و از شفافیت و درخشندگی شعر میکاهد که ما آنرا «ستیز تشبیهات» می‌نامیم و اگر این تشبیهات تازه و بدیع نیز باشند این ستیز و تداخل تشبیهات بیشتر به چشم می‌خورد و این امر در اشعار خاقانی و بعضی از اشعار سبک‌هندی کاملاً به چشم می‌خورد:

کیخسروانه جام ز خون سیاوشان
 گنج فراسیاب به سیما برافکنند
 (خاقانی ۱۳۳ تصحیح دکتر سجادی)
 در آن قسمت از شعرهای حافظ که به سبک هندی نزدیکست، نیز گاهی توالی تشبیهات و استعارات ابهام و سنگینی ایجاد کرده است اما در عین حال ابهامیست حافظانه و تاحدی زیبا مثال:

سواد لوح بپوش را عزیز از بهر آن دارم
 که جان را نسخه‌ای باشد ز لوح خال هندویت (۶۶)
 به پیش خیل خیالش کشیدم ابلق چشم
 بدان امید که آن شهسوار باز آید .
 زلف خساتون ظفر شیفته پسرچم تست
 دیده فتح ابد عاشق جولان تو باد .
 که تابع اضافات تشبیهی و استعاری در بعضی از اشعار بالا موجب تعقید و پیچیدگی شده است از قبیل «سواد لوح بپوش»، «لوح خال هندویت»، «زلف خاتون ظفر» و «دیده فتح ابد».
 ید - حشو ملیح و تشبیه - گاهی تشبیه در شعر حافظ با حشو ملیح توأمست مانند:

شکر فروش که عمرش دراز باد چرا
 تفتدی نکند طوطی شکر خارا (۴)
 بشد که باد خوشش باد روزگار وصال
 خود آن کرشمه کجا رفت و آن عتاب کجا (۲)
 بجز آن نرگس مستانه که چشمش مرصاد
 زیر این طارم فیروزه کسی خوش نشست (۱۹)
 به - صنعت عکس و تشبیه - عکس یا تبدیل آنست که چیزی را مقدم دارند بر چیزی، بعد جای مقدم و مؤخر را عوض کنند (هنجار گفتار). اینک مثال برای وقتی که صنعت عکس در شعر حافظ با تشبیه توأمست:

شمع دل دمسازم بنشست چو او بر خاست
 و افغان ز نظر بازان بر خاست چو او بنشست (۲۰)
 بد عمری يك نفس با ما چو بنشینند بر خیزند
 نهال شوق در خاطر چو بر خیزند بنشانند (۱۳۱)

منابع:

نقد شعر فارسی از خسرو فرشیدورد چاپ وحید، ۱۳۵۰، تهران

هنجار گفتار از سید نصراله تقوی، ۱۳۱۷، تهران

مطول از سعدالدین تفتازانی چاپ سنگی، ۱۳۰۱ قمری، تهران

دیوان حافظ تصحیح قزوینی و دکتر غنی

منطق الطیر عطار چاپ مشکور

صنایع ادبی در دیوان حافظ از مریم اشراقی رساله دوره لیسانس به راهنمایی نگارنده

این سطور، دانشگاه اصفهان ۱۳۴۵.